

یادشاهی ماد

• مسعود عرفانیان



■ یادشاهی ماد

■ اقرار علی یف

■ ترجمه‌ی کامبیز میربهاء

■ تهران، انتشارات ققنوس، اسفندماه ۱۳۸۸،

تعداد صفحات ۷۰۰

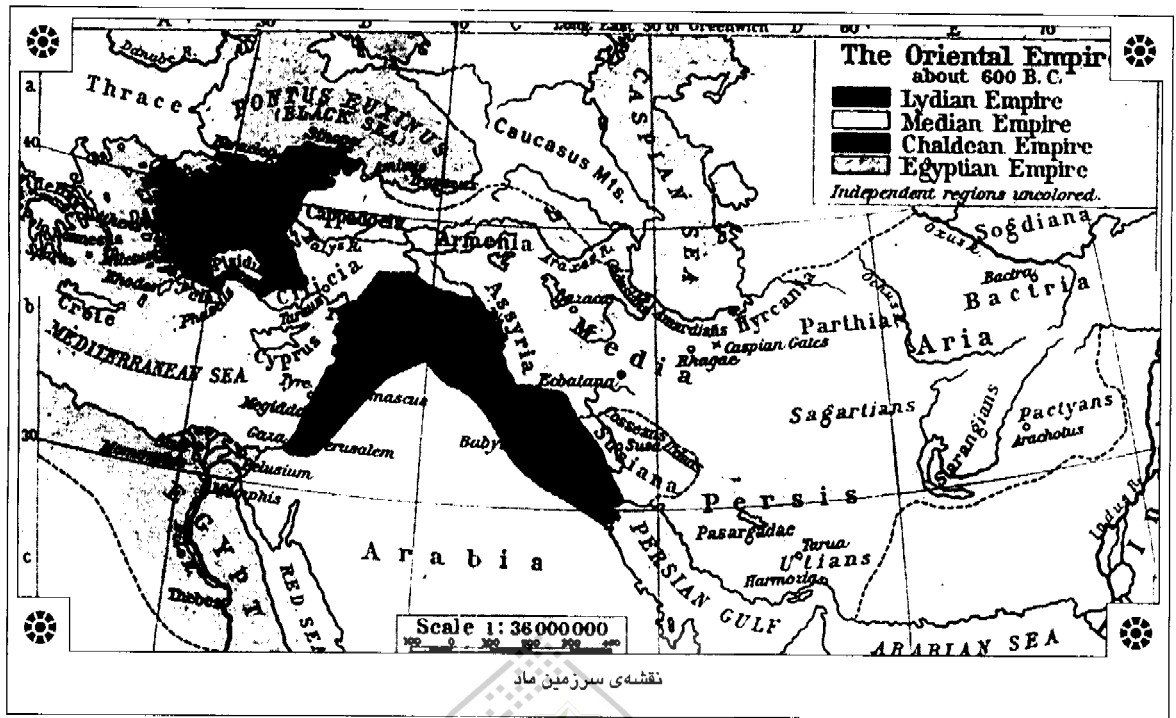
با یک مقایسه میان تعداد عناوین پژوهش‌های متأخر پیرامون سلسله‌های پادشاهی ایران در پیش از اسلام یعنی مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، به سرعت به این نتیجه می‌رسیم که از نظر کمی تفاوت چشمگیری میان آنچه که در وهله‌ی نخست درباره‌ی هخامنشیان و سپس دو سلسله‌ی اشکانیان و ساسانیان منتشر شده با آن چه که درباره‌ی مادها منتشر شده به چشم می‌خورد.

این می‌رساند که دشواری‌ها و سختی‌هایی در راه پژوهش پیرامون مادها وجود داشته که کمبود اسناد و مدارک و نبود داده‌های زیاد و یافته‌های باستان‌شناسی یکی از دلایل عمده و از موانع اصلی پژوهش‌گران در قدم گذاشتن در این راه بوده است.

اما با وجود همه‌ی این دشواری‌ها، چندین دهه پیش از این آکادمیسین و شرقشناس نامی شوروی دیاکونوف (Diakonov)، از مشکلات نهراسید و در این راه گام نهاد و در ۵۴ سال پیش از این - ۱۹۵۶/۱۳۳۵ خ - کتاب پرارزش او «تاریخ ماد» منتشر و پس از ده سال نیز ترجمه‌ی فارسی آن با کوشش و پشتکار کریم کشاورز - که بی‌شک یکی از بهترین مترجمان ایران بود - در سلسله‌ی انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب، در ایران منتشر شد.^۱ کتاب به زودی جایگاه خود را در میان افسراد و محافل علمی یافت و واکنش‌های مثبت و منفی‌ای را برانگیخت که از آن میان می‌توان به مقاله‌ی انتقادی محمدعلی خنجی اشاره نمود.^۲ این مقاله در زمان انتشار جلب توجه علاقمندان به مباحث علمی و تاریخی را نمود. محمدعلی خنجی در نقد خویش بر تاریخ ماد به نکاتی اشاره نمود که بحث پیرامون درستی یا نادرستی آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد و جای طرح آن اینجا نیست.

اما او در همان رساله‌ی خویش با همه‌ی انتقاداتی که نسبت به مواضع دیاکونوف و شیوه‌ی نگرش او داشت - که متأثر از ایدئولوژی حاکم بر اتحاد شوروی در آن سال‌ها بود - در پایان مقاله‌ی خویش درباره‌ی کتاب چنین اظهار نظر کرده است:

«وقبل از آن که قلم را به کناری بگذاریم، بگذارید حق مطلبی را ادا کنیم... با این‌همه کتاب تاریخ ماد حاوی اطلاعات ارزنده و مفیدی است و خواننده می‌تواند بسیاری از اطلاعات دست اول را که تا کنون بر آن‌ها آگاهی نبود، در این کتاب به دست آورد.»^۳



نقشه‌ی سرزمین ماد

نیز همواره در معرض بغض و کین قرار داشته و به ویژه پس از فروپاشی شوروی آماج حملات بیشتری قرار گرفته است.

درباره‌ی نویسنده‌ی کتاب

پروفسور اقرار علی‌حییب اوغلو علی‌یف، در ۱۴ مارس سال ۱۹۲۴ در شهر باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان از مادر زاده شد. او پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی، به دانشگاه وارد شد و در سال ۱۹۶۱ موفق به دریافت دکترای تاریخ شد. او شاگرد آکادمیسین و. و. استرووه بود. علی‌یف از سال ۱۹۴۵ در انستیتوی تاریخ آکادمی علوم آذربایجان شوروی به کار پرداخت و از سال ۱۹۵۷ مدیر شعبه‌ی تاریخ قدیم همین آکادمی و از سال ۱۹۷۸، مدیر انستیتوی تاریخ همان‌جا شد.^۲

اقرار علی‌یف دارای سمت‌های علمی دیگری نیز بوده است. او در همایش‌های بین‌المللی و داخلی بسیاری شرکت نمود و در آن‌ها به سخنرانی پرداخت. خوانندگان ایرانی، به حتم برای نخستین بار نام علی‌یف را در کتاب «تاریخ ماد» دیده‌اند که دیاکونوف، به عنوان یک پژوهش‌گر ممتاز در این حوزه، به آراء اقرار علی‌یف - اگر چه انتقادی - اشاره نموده است و این خود می‌رساند که علی‌یف جوان به هنگام تألیف کتاب تاریخ ماد توسط دیاکونوف، در این حوزه مطرح و صاحب نظر بوده است که اظهار نظرهایش مورد توجه فردی چون دیاکونوف قرار گرفته است.^۳

از اقرار علی‌یف هیچ اثری در ایران ترجمه و به چاپ نرسیده بود، تا این که بخت با خواننده‌ی فارسی زبان یار شد و در سال ۱۳۷۸، یکی دیگر از آثار ارزنده‌ی این دانشمند پراچ «تاریخ اتوریاتکان»^۴ به فارسی ترجمه و در ایران انتشار یافت. برای آشنایی خوانندگان گرامی با نوع نگاه این آکادمیسین

تا پیش از انتشار کتاب «پادشاهی ماد» اقرار علی‌یف، به ضرس قاطع می‌توانستیم بگوییم که هیچ اثر دیگری در این زمینه را یارای برابری با کتاب دیاکونوف نبود و در این باره به قول معروف او حجت را بر همگان تمام نموده است. اما انتشار کتاب اقرار علی‌یف که آن نیز می‌بایست در همان سال ۱۹۵۶ منتشر می‌شد، اگر از ارزش و اعتبار تاریخ ماد نکاست، اما نوید انتشار کتاب علمی، پربار و ارزشمند دیگری را در کنار اثر دیاکونوف داد. بی‌جهت نیست که ویراستار کتاب استرووه - که استاد اقرار علی‌یف نیز بوده - درباره‌ی کتاب او گفته: «تاریخ ماد یکی از نخستین آثار بزرگ در علوم شوروی در حوزه‌ی یاد شده از شرق‌شناسی و نشانی از هوش سرشار و دانش فراوان نویسنده آن است» (ص ۱۰، پیشگفتار ویراستار). اکنون پس از گذشت بیش از نیم سده از انتشار کتاب در اتحاد جماهیر شوروی سابق، ترجمه‌ی آن به کوشش درخورستایش کامییز میربها، به دست ما رسیده است و به روشنی گویای این است که خواننده با اثری پراچ، علمی و با رویکردی آکادمیک روبه‌رو است که در پاره‌ای مواضع نسبت به دیگر اثر مشابه خود رجحان و برتری دارد. به ویژه هنگامی که نقطه نظرهای اقرار علی‌یف درباره‌ی مادها، حدود و نغور و جغرافیای تاریخی سرزمین آنان و حوزه‌های نفوذ، زبان و دیگر پدیده‌های مرتبط با مادها و پیوند آنان با دیگر اقوام ایرانی و نیز تأثیر ژرف تمدن آنان بر فرهنگ و تمدن مردم آذربایجان را می‌خوانیم پی به اهمیت و ژرفای پژوهش ناب و بی‌بدیل اقرار علی‌یف می‌بریم.

به ویژه وقتی در نظر داشته باشیم که کتاب در شرایطی نوشته و منتشر شده است که طرح پاره‌ای از مباحث آن به راحتی در آن دوران میسر نبوده است، بی‌اختیار احترام ما نسبت به جسارت، شهامت و راست‌گویی نویسنده‌ی آن دو چندان خواهد شد که استقلال رأی خویش را حفظ نموده و به همین دلیل

**خواننده با اثری پراج، علمی و با رویکردی آکادمیک
روپه‌رو است که در پاره‌ای مواضع نسبت به دیگر اثر
مشابه خود رجحان و برتری دارد. به ویژه نقطه نظرهای
اقرار علی‌یف درباره‌ی مادها، حدود و ثغور و جغرافیای
تاریخی سرزمین آنان و حوزه‌های نفوذ، زبان و دیگر
پدیده‌های مرتبط با مادها و پیوند آنان با دیگر اقوام ایرانی**

پادشاه ماد

و بی‌مهری قرار گرفت، تا جایی که از سوی دانشمند نماها و تاریخ‌نگاران بی‌ریشه و ناآگاه مورد عتاب و خطاب قرار گرفت و یکی از آن‌ها درباره‌ی او و همچنین دیگر تاریخ‌نگار و آکادمیسین سرشناس جمهوری آذربایجان - در دوره‌ی اتحاد شوروی - چنین نوشته است:

«تصادفی نیست که سکان علم تاریخ‌نگاری در آذربایجان شمالی در دست افراد مغرضی چون سمبات‌زاده‌ی گرجی تبار و اقرار علی‌یف - که مخالف ترک بودن آذربایجانی‌هاست - قرار دارد. در نتیجه‌ی پژوهش‌های این گونه تاریخ‌نگاران مغرض، نام آذربایجانی را به ترک‌های ساکن در آذربایجان شمالی داده‌اند.»^۱

اگر چه سخن به درازا می‌کشد، اما جای آوردن این پرسش هست که از نویسندگی این سطور و پیروان او و چنین اندیشه‌هایی پرسید که: آیا گفته‌ها، اندیشه‌ها و نوشته‌های اقرار علی‌یف‌ها، سمبات‌زاده‌ها و ده‌ها تن دیگر از دانشمندان شرقی‌شناس که با در دست داشتن اسناد و مدارک بی‌شمار و انکارناپذیر واقعیات مسلم را بیان نموده‌اند مغرضانه، نادرست و بی‌پایه است یا نوشته‌هایی از این دست که:

«در رویداد کربلا... در گرما گرم پیکار هفت جوانمرد ترک که در صفوف حضرت می‌جنگیدند نزدیک آمده و با او دیدار نمودند و گفتند: بیا تو را به آذربایجان ببریم، حضرت حسین (ع) از این پیشنهاد بی‌نهایت ممنون و خوشحال گردید و به سر کرده‌ی آنان گفت: از فرماندهان تشکر می‌کنم، من نیازی به یاری شما ندارم، زیرا شهید خواهم شد، فرزند بیمارم زین‌العابدین (ع) را بردارید و با خود از این‌جا ببرید.»^۲

صد البته دوستداران و خواستاران راستی و درستی که در جستجوی سخنان درست هستند سرانجام به حقایق تاریخی راستین دست خواهند یافت و بر بی‌پایگی این سخنان و بی‌مایگی نویسندگان آن‌ها - که کم هم نیستند - آگاه خواهند شد و به نیکی مغرض را از غیر مغرض تمیز خواهند داد.

اقرار علی‌یف، پس از ۸۰ سال زندگی پر بار که بیش از نیم سده‌ی آن به پژوهش و نگارش کتاب‌ها و مقالات علمی بسیاری گذشت، سرانجام در سال ۲۰۰۴ در گذشت، روانش شاد و یادش گرمی که جز بر راستی قلم نراند.

معرفی کتاب

کتاب پادشاهی ماد در یازده فصل با بخش اصلی تنظیم شده، پیش از آغاز

سرشناس به تاریخ آذربایجان، بخش پایانی پیش‌گفتار او از کتاب «تاریخ آتورپاتکان» را نقل می‌نمایم که بیانگر استقلال رأی او است که از گفتن و نوشتن حقایق مسلم تاریخی روی برتافت.

«دوره‌ی تشکل آتورپاتکان در تاریخ گسترده‌ی ما مرحله‌ی پراهمیتی است و آتورپاتکانیان ایرانی زبان با تیره‌های پیشین منطقه که هنوز در استان‌های شمالی و غربی فلات ایران می‌زیستند در آمیخته و نسلی را پدید آوردند که آذربایجانیان امروزه مستقیماً از نژاد آنان‌اند، که در دوره‌ی عصرهای میانه (قرون وسطی) زبان ترکی را که به سرزمین آنان وارد شد، پذیرفتند و خود به یک قوم جدید (ترک زبان) تبدیل یافتند، ولی این رویداد به هیچ روی نمی‌تواند مانعی ایجاد کند ما خود را از نسل آتورپاتکانیان و میراث دار فرهنگ آنان، یعنی فرهنگی که نیاکان خود ما بدان نیرو بخشیده‌اند، ندانیم!»^۳

او در برابر حقایق تاریخی، همان گونه که روش یک تاریخ‌نگار و دانشمند واقع‌بین، راست‌گفتار و درست‌کردار است اسیر جریان‌های تاریخ‌نگاری انحرافی - که چیزی جز آن‌چه که او می‌نوشت می‌خواستند - نشد و بر اساس داده‌های بی‌شمار و کتمان‌ناپذیر تاریخی و غیره حقیقت را بیان نمود و هیچ‌گاه قلم خود را به نوشتن مطالب غیر حقیقی و بی‌بنیاد - که خواسته‌ی جریان‌ها و محافل ویژه‌ی بود و نیز هست - نیالود.

اقرار علی‌یف پاره‌ای از زبان‌های باستانی را می‌دانست و «از توانایی خواندن خطوط میخی سومری، اکدی، آشوری و فارسی باستان برخوردار بود»^۴. علی‌یف در مدت زمان زندگی علمی خود نزدیک به ۱۶۰ اثر پژوهشی نوشته شده از خود برجای گذاشت که بیشتر آن‌ها به تاریخ ماد، آتروپاتن و آلبانیای قفقاز اختصاص دارد که در نوع خود از معتبرترین پژوهش‌ها در این حوزه به شمار می‌رود.^۵

اقرار علی‌یف به شدت مخالف تاریخ‌نگاری در راستای اهداف ایدئولوژیک بود و با سرسختی در برابر تحریف و جعلیات ایستادگی می‌نمود و در جای جای کتاب بر این موضع روشن او تأکید شده است.

استفاده از منابع و مآخذ دست اول و پژوهش‌های متأخر ناب و روشمند و استنادها و ارجاع‌های بی‌شمار او، چنان اعتبار و ارزشی به کارهای او بخشیده است که آثار او به عنوان پژوهش‌های درجه یک مورد استناد بسیاری از پژوهش‌گران قرار گرفته است.

او پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در میهن خود مورد کم لطفی

کتاب «پیش‌گفتار ویراستار» آن واسیلی واسیلیویچ استرووه، که خود یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان شوروی بود و نیز «مقدمه‌ی مؤلف»، در کنار «یادداشت مترجم» اثر به چاپ رسیده است.

استرووه در پیش‌گفتار خویش به خوبی از عهده‌ی معرفی اثر برآمده و بر نقاط ضعف و قوت آن به روشنی اشاره نموده و روند کار شکل‌گیری کتاب را به دقت بررسی کرده است. نگاه مثبت او نسبت به کتاب و روش کار علی‌یاف مانع از بیان دیدگاه‌های مخالف او پیرامون پاره‌ای از اظهارات و نتایج گرفته شده توسط علی‌یاف نشده و او به صراحت در پیش‌گفتار به آن‌ها اشاره نموده و دلایلش را نیز برشمرده است.

نخستین فصل کتاب «گفتاری پیرامون منابع تاریخ ماد»، قطعاً یکی از فصل‌های مهم و قابل توجه کتاب است، چه در این فصل نویسنده با بررسی عمده‌ترین و مهم‌ترین منابع و مآخذ پیرامون مادها - در روزگار تألیف کتاب - نشان داده است که از چه احاطه و تسلطی نسبت به این منابع برخوردار است. او آثار همه‌ی مورخان جهان باستان و سده‌های میانه مانند هرودوت (Herodotus)، هکاته‌ی میلیتی (Hecate of Miletus)، دیونیسوس میلیتی (Dionysus of Miletus)، کسانتوس لیدیایی (Xanthus of Lydia)، خارون لامپساکسی (Charon of Lampsacus)، هلانیکوس میتیلنی (Helanicus of Mytilene)، بروسوس (Berossus)، پولیبیوس (Polybius)، دیودوروس سیسیلی (Diodorus siculus)، پلوتارک (Plutarch)، استرابو (Strabo)، آمیانوس مارسلینوس (Ammianus Marcellinus) موسی خورنی و یغیشه (Fighishe) و ... را بررسی نموده و هر آن‌چه را که آنان

درباره‌ی تریخ ماد در آثار خویش آورده‌اند با یکدیگر سنجیده و درباره‌ی ارزش آن‌ها داوری نموده است. به باور علی‌یاف «بی‌تردید اثر هرودوت نه تنها بهترین اثر، بلکه اولین و در واقع آخرین و کامل‌ترین منبع قدیمی تاریخ ماد محسوب می‌شود» (ص ۳۶)، که بیشتر تاریخ‌نگاران پس از او اطلاعات خود درباره‌ی ماد را از اثر او اقتباس کرده‌اند. (همان‌جا).

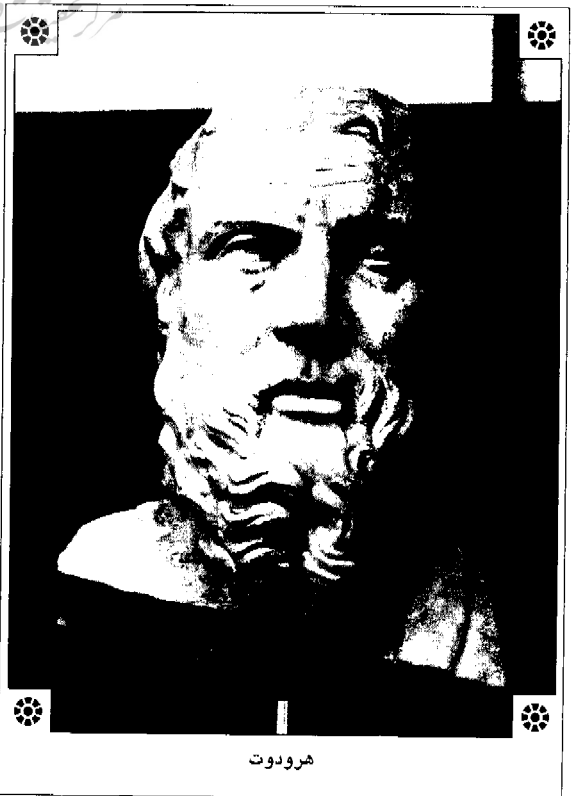
او همچنین با بررسی آثار سرشناس‌ترین خاورشناسانی که در این زمینه پژوهش نموده‌اند نتایج حاصله از پژوهش‌های آنان را در کفه‌ی ترازوی نقد سنجیده و ارزش و اعتبار آن‌ها را به ما نشان می‌دهد. علی‌یاف بر نقاط قوت کار هر یک از آنان تأکید نموده و در مقابل نقاط ضعف و خطاهای آنان را برشمرده. کسانی چون: اشپیگل (Spiegel)، راولینسون (Rawlinson)، دونکر (Dunker)، دارمستتر (Darmstetter)، پراشک (Prašek)، هرتسفلد (Herzfeld)، ژرژ کونتسو (George Contenau)، استرووه (Struve)، ملیکیشویلی (Melikishvili)، دیاکونوف و ... که هر کدام در تاریخ‌نگاری و باستان‌شناسی، پیرامون سلسله‌ها و دوره‌های مختلف تاریخ باستان تخصص دارند، نوشته‌هایشان به دقت از سوی علی‌یاف بررسی و هر آن‌چه که درباره‌ی ماد نوشته‌اند مورد استفاده‌ی او قرار گرفته است.

با نگاهی به یادداشت‌های این فصل که شامل ۱۴۹ ارجاع و فقط برای ۲۳ صفحه نوشته متن است، پی به دقت بالای علمی، امانت داری و روشمند بودن کار علی‌یاف خواهیم برد.

در فصل دوم: «وضعیت طبیعی و جغرافیایی ماد باستان» و فصل سوم: «ماد و فلات ایران در عصر پارینه‌سنگی»، که هر دو از کوتاه‌ترین فصول کتاب هستند، نویسنده به بررسی ویژگی‌های جغرافیایی فلات ایران و وضعیت کوه‌ها، رودها، دریاچه‌ها، صحراها و جنگل‌های ... آن‌جا پرداخته و به تنوع زیستی جانوران، وجود انواع میوه‌ها، نوع آب و هوا، میزان بارش باران، حیوانات وحشی و اهلی، دامداری و پرورش اسب، اشاره‌هایی نموده و سپس به وضعیت فلات ایران در عصر پارینه‌سنگی می‌پردازد، او بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی در بخش‌های مختلف آن ناحیه، تعلق آن‌ها به دوره [فرهنگ‌های مختلف شلی (Cheulean)، آشولی (Acheulen) و موستری (Moustrian)] را مشخص نموده و به مقایسه آن‌ها با دیگر آثار مشابه در سرزمین‌های مجاور پرداخته است.

فصل چهارم کتاب که «مسأله‌ی زبان‌ها و خاستگاه قومی قدیمی‌ترین ساکنان آسیای مقدم و فلات ایران» نام دارد، از فصول بسیار مهم و ارزشمند کتاب است. نظر به اهمیت مباحث طرح شده به ویژه از منظر رد نظریه‌های پان‌ترکیستی درباره‌ی تبار، پیشینه و زبان مردم آذربایجان که اقرار علی‌یاف با استفاده از منابع و مآخذ بی‌شمار و قراین و شواهد زبان‌شناختی خط بطلان بر روی آن‌ها می‌کشد، این فصل را با استفاده از نوشته‌های خود علی‌یاف در کتاب، با تعمق بیشتری از دیگر فصل‌ها بررسی خواهیم نمود.

علی‌یاف در آغاز این فصل با اشاره به اینکه «مسأله‌ی خاستگاه قومی و زبانی قدیمی‌ترین ساکنان فلات ایران ارتباط تنگاتنگی با مسایل بسیار دشوار و بی‌نهایت پیچیده‌ی زبان‌شناسی قومی در تاریخ اقوام و مردمان آسیای مقدم و میانه و همچنین قفقاز دارد.» (ص ۸۳)، بحثی علمی و دقیق



هرودوت

آن را باید به عنوان نمایندگان خانواده‌های مستقل زبانی مورد بررسی قرار دهیم.» (ص ۸۶).

علی‌یف در این بخش با روش کاملاً علمی خود و به دور از هرگونه تعصب و جانبداری بی‌جا که از آفت‌های اساسی کار پژوهش علمی است، بحثی بسیار عالمانه درباره‌ی تبار و زبان مادها را مطرح می‌سازد و بر اساس قراین و شواهد زبانشناختی نقطه نظرهای خود را عنوان می‌سازد که البته - با در نظر گرفتن دیدگاه‌های حاکم در زمان نگارش کتاب در شوروی - قابل تعمق و بررسی است و قطعاً می‌تواند در میان زبان‌شناسان و متخصصین دوره‌ی نامبرده به بحث و اظهار نظر گذاشته شود تا شاید بخش‌های دیگری از زوایای گم‌گشته و پنهان تاریخ دیرسال ایران روشن شود. او می‌نویسد:

«ما با مطلق شمردن عنصر هند و اروپایی در تاریخ ماد، یعنی پیوند تاریخ ماد با تاریخ هند و اروپاییان - ایرانیان کوچک‌نشین مهاجر و نفی عنصر نیرومند بومی مخالفیم و تأکید می‌کنیم این تئوری که تنها هند و اروپاییان می‌توانستند سازنده‌ی فرهنگ و تاریخ ماد باشند، ارتجاعی است. اما در عین حال بدیهی است که قصد نداریم نقش و اهمیت عنصر ایرانی زبان تازه وارد در تاریخ این سرزمین را نادیده بگیریم یا کم‌اهمیت جلوه دهیم. اسناد و مدارک به قدر کفایت محکم و فراوانی دال بر وجود عنصر ایرانی زبان از قرون نهم و هشتم پ.م. در سرزمین ماد (در ابتدا در قسمت شرقی آن) وجود دارد که قطعاً نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.» (ص ۱۳۱).

اقرار علی‌یف با دنبال نمودن بحث چنین ادامه می‌دهد:

«اما در عین حال هرگاه بخواهیم قرابت و خویشاوندی مستقیم و بی‌واسطه میان گویش ترکی کنونی آذربایجان، که در سده‌های میانه به سرزمین آذربایجان وارد شده، با زبان عیلامی بیابیم، بسی به بیراهه رفته‌ایم. اما تا همین اواخر وضع به گونه‌ای دیگر بود. بخش عمده‌ای از زبان‌شناسان و تاریخدانان آذربایجانی از جمله نویسندگی همین سطور، تحت تأثیر شدید احکام مار درباره‌ی «گشتار» و رشد و پیشرفت «جهشی» گفتار، می‌کوشیدند ثابت کنند زبان آذربایجانی به طور مستقیم و بی‌واسطه با زبان قطعه‌ی دوم نبشته‌ی بیستون، یعنی زبان عیلامی ارتباط دارد. اکنون بی‌پایه و اساس بودن این فرضیه از نظر علمی چنان آشکار است که ارزش تحقیق و مطالعه نیز ندارد.» (ص ۱۴۱).

اقرار علی‌یف در پایان این فصل به روشنی براساس بررسی مواد برجای مانده‌ی زبان‌شناختی از زبان مادها و دیگر زبان‌ها و گویش‌های رایج در

را پیرامون خویشاوندی زبانی ساکنان منطقه‌ی آسیای مقدم و قفقاز با دیگر نواحی مجاور پیش می‌برد تا بر اساس مدارک و شواهد و قراین اثبات کند که بدون دلایل کافی، بر اساس شواهد علمی و منطبق با اصول و موازین زبانشناسی تاریخی نمی‌توان احکام خود خواسته و مطابق با میل و سلیقه، خویش صادر نمود.

او با اشاره به فرضیه‌هایی که دانشمندان زبانشناس عنوان نموده‌اند به بررسی اظهارات آن‌ها پرداخته و به نتایج جالبی رسیده است. علی‌یف با گفتن این‌که زبان سومری به ترتیب گاهی جزء زبان‌های تورانی (اورال و آلتایی) یا قفقازی و گاهی جزء زبان‌های افریقایی یا چینی یا حتی زبان‌های پلیزیایی شناخته می‌شد و حتی احتمال این‌که از زبان‌های هند و اروپایی و نیز اینکه می‌توانسته حلقه‌ی رابط میان خانواده‌های زبان‌های باسک و قفقازی و مغولی اولیه باشد داده شده است، به ارزیابی و تحلیل این فرضیه‌ها پرداخته و سپس نظر خود را در این باره اعلام نموده است.

او با نقد فرضیه‌ی ن.ی. مار (Marr.N.Ja) که زبان سومری را با زبان‌های قفقازی و هم با زبان‌های حوزه‌ی رودخانه‌ی ولگا یعنی فینو - اوغوری مرتبط دانسته، می‌نویسد که او در ابتدا تا حدی از قواعد علمی پیروی نموده، اما در تحقیقات بعدی «نه تنها با تطبیق خودسرانه دچار خطا می‌شود، بلکه کاملاً به خیالبافی و مهممل‌گویی می‌افتد. آثار ن.ی. مار که عمدتاً در واپسین دوره‌ی فعالیت او توسط خودش منتشر شد، آکنده از عبارات و اصطلاحات حیرت‌انگیز (و منحصر به مکتب مار) است، از جمله: «سومروچان‌ها»، «کیمروسومریان»، «سومریان و چوواش‌ها» و از این قبیل. این حاکمی از بی‌اعتنایی ن.ی. مار به تمامی قواعد پژوهش‌های تاریخی و زبانشناختی است. متأسفانه این بندبازی ضد علمی مار راجع به سومریان، در آثار برخی انسان‌شناسان ما نیز منعکس شده است.» (ص ۸۴).

علی‌یف در ادامه‌ی بحث خود در این فصل با اشاره به خاستگاه شرقی سومریان عنوان می‌کند که وجود قرابت چند واژه از زبان سومری با واژه‌های ترکی مغولی، نمی‌تواند بیانگر هم‌خانواده بودن آن‌ها با یکدیگر باشد. او ادامه می‌دهد:

«بدین ترتیب اگر امکان ندارد ارتباطی میان زبان‌های سومری و «اورال آلتایی» متصور شویم، پس نباید ادعایی در مورد ترک زبان یا ترک نژاد بودن سومریان داشته باشیم. هم منشأ دانستن زبان‌های سومری و «اورال و آلتایی» دست کم با دانش امروز ما امکان‌پذیر نیست و به همین علت

**نویسنده در برابر حقایق تاریخی، همان‌گونه که روش
یک تاریخ‌نگار و دانشمند واقع‌بین، راست‌گفتار و
درست‌کردار است اسیر جریان‌های تاریخ‌نگاری انحرافی
- که چیزی جز آن‌چه که او می‌نوشت می‌خواستند - نشد**

ابزار یافته شده با دیگر ابزار یافته شده در سرزمین‌های مجاور ایران را گوشزد می‌نماید.

اقرار علی‌یف با تأکید بر خویشاوندی بسیار نزدیک فرهنگ سیلک، چشمه علی، حصار و دیگر نقاط باستانی ایران از گسترش این فرهنگ‌ها تا نقاط دوردستی در شرق و جنوب شرقی ایران تا سیستان و بلوچستان سخن به میان آورده و با وجود تفاوت‌هایی، آن‌ها را به یکدیگر بسیار نزدیک دانسته است و بر قرابت میان فرهنگ‌های آناتولو و فلات ایران نیز تأکید ورزیده است (ص ۲۱۷). او همچنین در ادامه‌ی این فصل با بررسی آراء شرق شناسان و باستان‌شناسان برخاستگاه ایرانی فرهنگ عبید اشاره نموده و تا اندازه‌ای آن را با حقیقت منطبق دانسته است و با اطمینان گفته است فرهنگ پروتوسومری دوره‌ی عبید به شدت تحت تأثیر ایران بوده و ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با تمدن ایران در آن دوره داشته است (ص ۲۲۰).

ادامه‌ی این فصل نیز با استفاده از یافته‌های باستان‌شناسی و داده‌های تاریخی و با اشاره به شواهد و قراین بسیار دنبال شده و علی‌یف با طرح مباحث دقیق علمی، نتایج به دست آمده توسط خود را در اختیار خواننده نهاده است. این فصل نیز با یادداشت‌ها و ارجاعات بسیار - ۵۲۷ مورد - به پایان می‌رسد.

در فصل ششم از کتاب، نویسنده بحثی بسیار دقیق و علمی را پیرامون «اولین شواهد مکتوب درباره‌ی ماد و مادها، دوره‌ی اتحادیه‌های قومی، ظهور دولت «ماننا» پیش می‌کشد و با بررسی هر آنچه که درباره‌ی مادها در منابع و مأخذ - نخست سومری - اکدی و سپس منابع عیلامی و آشوری - بابلی - وجود داشته در اثبات فرضیات خود تلاش می‌کند. اقرار علی‌یف روند تشکیک نخستین اتحادیه‌های قومی و نظامی در سرزمین ماد را که در معرض تاخت و تاز اقوام مجاور به ویژه آشوری‌ها قرار داشته‌اند به خوبی دنبال نمود و سیر تکوین و شکل‌گیری آن را نشان داده است. او اولین کوشش‌ها در جهت تمرکز اقوام پراکنده‌ی ماد را در نیمه‌ی دوم سده‌ی نهم پ.م. می‌داند و براین باور است که در سده‌های هشتم و هفتم پ.م. محدوده‌ی در اتحادیه‌ی سیاسی عمده‌ی اقوام مشخص شده است و اولین آن‌ها از اتحاد شش قبیله‌ی بوسیان، پارتاکنیان، استروخانیان، آریزانتیان، بودیان و مغار تشکیل شده بود (ص ۲۸۹). این فصل نیز با بحث پیرامون نقش و دخالت آشوریان در رویدادهای آن دوره و به‌ویژه جنگ‌های آنان با مادها و دیگر اقوام منطقه و سرانجام شکست آنان توسط مادها به پایان

سرزمین مادها به چنین نتیجه‌ای دست یافته است: «در مورد چگونگی زبان آثروپاتنی اطلاعی در دست نداریم، اما می‌توانیم چنین فرض کنیم که بنیادهای آن در زبان آذربایجان کنونی حفظ شده است. در عین حال هیچ منایی در دست نداریم تا زبان آذربایجانی کهن را زبان ترکی بنامیم.

«این زبان به احتمال بسیار زیاد از زبان‌های ایرانی بوده است. ظاهراً زبان آذربایجانی کهن در سده‌های میانه به عنوان زبان آذری، که در منشأ ایرانی آن هیچ تردیدی نیست، در سراسر آذربایجان بسیار رایج بوده است. «احتمال دارد بقایای زبان مادی ایرانی در زبان تالشی کنونی و سایر گویش‌های ایرانی که گویشوران آن در آذربایجان شوروی و ایران کنونی سکونت دارند حفظ شده باشد.» (ص ۱۴۲).

دلایل و استنتاجات اقرار علی‌یف بر پایه‌ی مدارک و اسناد بسیار زیادی که در فراهم آوردن این فصل از آن‌ها استفاده نموده، به قدری روشن، واضح و گویا است که کمتر جای تردیدی باقی می‌گذارد. این بخش از کتاب نیز با یادداشت‌های بسیار زیاد نویسنده همراه است و او ۵۲۱ ارجاع در این بخش از کتاب داده است.

در فصل پنجم کتاب که عنوان آن «ماد و فلات ایران در عصر مس و مفرغ» است و نیز یکی دیگر از فصل‌های مهم کتاب است، نویسنده بر اساس آثار و اشیاء به دست آمده طی کاوش‌های باستان‌شناسی در فلات ایران مانند سیلک، تپه گیان، گوی تپه، تپه حصار و نقاط دیگر، تصویر نسبتاً کامل و پیوسته‌ای از گذشته‌های دور تاریخ فلات ایران به دست می‌دهد که در نوع خود جالب است.

در این فصل نویسنده به آنالیز سفال‌های یافته شده پرداخته و نتایج حاصله از آن را ارائه داده است. او بر اساس همین بررسی‌ها بر روی سفال ایران فلات ایران را به سه بخش شمال شرقی (سیلک)، غربی (سوزیان - گیان) و حومه‌ی اورمی تقسیم کرده است. علی‌یف به دقت مراحل مختلف رشد و تکامل سفالگری در سیلک و دیگر نقاط فلات ایران را بررسی نموده و بر اساس سفال‌های کشف شده در لایه‌های مختلف تپه‌ی سیلک به استفاده از چرخ سفالگری پس از یک دوره که سفال‌ها بدون استفاده از این ابزار و با استفاده از قالب‌گیری با سبد ساخته می‌شده اشاره نموده است. (صص ۲۰۳-۲۰۵).

پس از آن نویسنده به بررسی رشد و تکامل کشاورزی و استفاده از فلزات گوناگون در ساخت ابزار کشاورزی اشاره نموده و همانندی‌های میان این

نویسنده با بررسی آثار سرشناس‌ترین خاورشناسانی که در این زمینه پژوهش نموده‌اند نتایج حاصله از پژوهش‌های آنان را در کفه‌ی ترازوی نقد سنجیده و ارزش و اعتبار آن‌ها را به ما نشان می‌دهد

پادشاهی ماد

می‌رسد.

فصل هفتم از کتاب نیز به تشکیل و استقرار دولت ماد و اولین پادشاه آن می‌پردازد و در ادامه، در فصل هشتم تأسیس پادشاهی ماد و هجوم اقوام کوچ‌نشینان مانند: کیمریان - که تحت فشار سکاها به سوی آسیای مقدم هجوم آوردند - و سکاها بررسی شده. به نوشته‌ی اقرار علی‌یف سده‌ی هفتم پیش از میلاد یکی از جالب‌ترین دوره‌ها در آسیای مقدم باستان است که حوادث و رویدادهای این صدسال بسیار تند و پرشتاب رخ داده است و این دوره را می‌توان اوج شکوفایی و در عین حال سقوط دولت‌های بزرگ شرق باستان و روی کار آمدن دولت‌های جدید به جای دولت‌های پیشین دانست (ص ۳۵۹).

در سه فصل ۹، ۱۰ و ۱۱ کتاب نیز نویسنده نخست به تحکیم و گسترش دولت ماد و جنگ‌های استیلا جویانه‌ی آنان و تشکیل امپراتوری ماد، جامعه‌ی ماد از پایان قرن هفتم تا میانه قرن ششم پ.م، فرمانروایی ایشتوویگو، سقوط دولت ماد و سرانجام فزونی نبردهای طبقاتی در شاهنشاهی هخامنشی و مبارزه‌ی مادها علیه هخامنشیان و قیام‌های مردمی در ماد توجه نموده است. اقرار علی‌یف پس از اشاره به رویارویی سکاها با مادها بر تأثیر عناصر سکایی در حیاط اقتصادی و فرهنگی مادها تأکید نموده و می‌نویسد: «ورود سکاها احتمالاً موجب تقویت عنصر زبانی ایرانی در ماد شد. بخشی از سکاها قطعاً در ماد ساکن شدند و با اقوام محلی درآمیختند.» (ص ۳۸۶). این اظهار نظر و تأکید او بر ایرانی زبان بودن سکاها خط بطلانی است بر بسیاری از ادعاهای پوچ و واهی غیر ایرانی بودن سکاها.

در ادامه‌ی روند گسترش سرزمین‌های مادها از راه جنگ تا کناره‌ی رود هالیس بررسی شده و سپس در فصل پایانی کتاب نیز به مناسبات مادها و هخامنشیان و نبردهای میان آن‌ها اشاره شده است. اساساً نقطه نظرهای اقرار علی‌یف درباره‌ی هخامنشیان و مناسبات آن‌ها با مادها به عنوان یک ملت مغلوب با اظهارات دیگر پژوهشگران در این عرصه متفاوت است و قابل بحث و بررسی از سوی متخصصان این حوزه. در این فصل نیز نویسنده با یادداشت‌ها و ارجاعات بسیار خود در حد ۵۳ صفحه از کتاب در برابر فقط ۴۵ صفحه نوشته‌های فصل ۱۱ - فصل پایانی کتاب - دانش گسترده و احاطه‌ی بی‌نظیر خود بر منابع و مآخذ را اثبات می‌کند.

در پایان کتاب نیز فهرست منابع و مآخذ و نیز ۱۴۰ صفحه تصویر از یافته‌های گوناگون باستانشناسی شامل اشیاء مختلفی مانند: سفالینه‌ها، ابزار و آلات جنگ، زیورآلات، نقوش مختلف، مجسمه، ظروف مختلف به چاپ رسیده که بر غنای کتاب افزوده است.

بی‌شک کتاب پادشاهی ماد اقرار علی‌یف، اثری است ارزنده، علمی و بسیار مهم که علی‌رغم گذشت نزدیک به شش دهه از نگارش آن نه تنها اهمیت خود را از دست نداده، بلکه دارای نکات ارزنده‌ی تازه‌ای - البته برای خواننده‌ی ایرانی که به تازگی به ترجمه‌ی آن دست یافته - می‌باشد.

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نکات کتاب شیوه‌ی نگارش علمی و روشمند نویسنده است که در خور تحسین و ستایش است. استفاده‌ی او از منابع و مآخذ گوناگون و میزان ارجاعات او به حدی گسترده است که اعجاب

برانگیز است و نشان دهنده‌ی پایبندی نویسنده به اصول و موازین علمی کار پژوهش است، که هیچ سخن و یا اظهار نظر غیر مستند و غیر علمی را در آن راهی نیست.

اقرار علی‌یف با بی‌طرفی کامل نسبت به طرح مباحث علمی و نقد و سنجش آراء دیگر دانشمندان دست زده و نقطه نظرهای خود را به روشنی بازگو نموده است. روش او در برخورد با واقعیت‌ها با متانت و بردباری است و در اثر خویش نشان داده است که یک‌سویه‌نگری، جانب‌داری و تعصب خام در کارهای او جایی ندارد.

اما با همه‌ی این ویژگی‌ها در پاره‌ای مواضع او بر اساس ایدئولوژی حاکم در زمان پژوهش و نگارش کتاب، پیرامون پاره‌ای از فرضیه‌ها و آراء دانشمندان غربی با استفاده از فرهنگ، زبان و ادبیات ایدئولوژیک حاکم، به داوری نشسته است. اما این به هیچ روی از ارزش‌های این دانشمند برجسته و اثر بی‌مانند او نمی‌کاهد.

در پایان جا دارد که به ترجمه‌ی بسیار دقیق، روان و خوب اثر اشاره کرد و دانش و تسلط مترجم بر زبان اصلی اثر و آگاهی او از نام‌ها و جای‌نام‌ها، منابع و مآخذ تاریخی و دقت و امانت‌داری او در کار را ستود که به راستی از آزمون دشوار ترجمه‌ی کتابی این چنین سنگین، سربلند بیرون آمده است. با سیاست از مترجم اثر و نیز دست اندرکاران انتشارات ققنوس که با چاپ و انتشار این کتاب علمی و آکادمیک، راه ورود بر بسیاری از زوایای ناشناخته‌ی دوران مادها را گشوده و گامی بلند در راه رشد و اعتلای فرهنگ تاریخ و تمدن ایران زمین برداشته‌اند.

پی‌نوشت علمی

۱. ایگور میخائیل دیاکونوف: تاریخ ماد، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران ۱۳۴۵، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. محمدعلی خنجی: رساله‌ای در بررسی تاریخ ماد و منشاء نظریه دیاکونوف همراه با چند مقاله و یادداشت دیگر، تهران ۱۳۵۸، انتشارات طهوری. لازم به یادآوری است که پیش از چاپ این کتاب مقاله محمدعلی خنجی با نام «تاریخ و منشاء نظریه دیاکونوف» به ضمیمه‌ی شماره‌ی سوم از سال دهم مجله‌ی راهنمای کتاب منتشر شده بود.
۳. همان، ص ۶۲.
۴. انسیکلوپدی آذربایجان شوروی، جلد ۴، باکو ۱۹۸۰، صفحه ۱۷۳، (سیریلیک).
۵. دیاکونوف، پیشین، ص ۷۸.
۶. اقرار علی اف: تاریخ اتوریاتکان، ترجمه شادمان یوسف، ویراستار متن فارسی فریدون جنیدی، تهران ۱۳۷۸، بنیاد نیشابور.
۷. همان، ص ۱۲.
۸. اقرار علی‌یف: پادشاهی ماد، ترجمه‌ی کامبیز میربها، تهران ۱۳۸۸، انتشارات ققنوس، ص ۵ (یادداشت مترجم).
۹. همانجا.
۱۰. آراز اوغلو: تاریخ مختصر آذربایجان، باکو (۱۹۹۹)، ص ۸ (مقدمه)، (لاتین).
۱۱. همان، ص ۹.